

شعراى بزرگ

بقلم : آقاى سميدى

لرد بایرن

- ۱ -

بایرن شاعر مشهور انگلیس در ماه ژانویه ۱۷۸۸ از یک خانواده نجیب و قدیمی در لندن متولد شده است . پدرش شخصی تند خو و فاسد الاخلاق بود وزن یوۀ را برای بچنک آوردن ثروتش بجهالۀ نکاح خویش آورد و همینکه دارائی ویرا تمام کرد اورا طلاق گفت . مادرش زنی منکبر و عصبانی بود و با فرزند خود هر ساعت بشکلی رفتار میکرد . دقیقه اورا نوازش و ملاحظت مینمود و لحظه بعد اورا تویخ و ملامت کرده کنکش میزد - این اخلاق والدین و تربیت آنها در اخلاق و روحیات شاعر نفوذ بسیار کرد و تاثیر آن مادام العمر در زندگانی و آثار وی باقی ماند .

در مدرسه بایرن بدرسهای کلاسی اهمیت نمیکذاشت و بیشتر بمطالعه کتب مختلفه خارجی که بدوق و قریحه او نزدیکتر بود اشتغال میورزید . زبان فرانسه و ایتالیائی را بزودی فرا - گرفت و در تمام مدتیکه در مدرسه اقامت داشت آشنایان و رفقای خود را محدود کرده و جز با معدودی موافقت و دوستی نمیکرد . در سن پانزده سالگی موقعیکه مدرسه اش تعطیل بود و بعزم گردش رفته بود عاشق دختری هفده ساله شد ولی دخترک چون اورا گودک و خردسال میدانست بمعاشقه اش و قری نهاد

و سال بعد شوهر اختیار نمود . این ناکامی و حرمان در روح شاعر جوان بسیار سخت و ناگوار افتاده و خاطره آن تا آخر عمر همواره در قلب او باقی بود .

در سنه ۱۸۰۵ بایرن بمدرسه عالی کمبریج که غالب شعرا و نویسندگان انگلیس در آنجا تحصیل کرده اند داخل شد ولی در آنجا هم بدروس مدرسه چندان اهمیتی نمیکذاشت و بیشتر وقت خود را بسواری و شکار و تیراندازی و سایر ورزشهای بدنی میگذرانید .

هنگامیکه هنوز در کامبریج تحصیل میکرد بسرودن بعضی اشعار و قطعات شروع کرده در سنه ۱۸۰۸ اولین اثر خود را در یک جلد با اسم « ساعات بیکاری » منتشر ساخت . این اشعار اولیه او غالباً سست و نارسا بود و علائم ژنی و قریحه سرشار آتیه او کمتر در آنها مشهود میشد ، بهمین جهت یکی از مجلات انگلیس کتاب مزبور را مورد انتقاد قرار داده و مقاله شدیدی درباره آن نوشت .

شاعر جوان از این حمله و انتقاد آزرده خاطر شده باخشم و هیجانی که ناشی از طبیعت عصبانی و روح عاصی او بود منغولمه با اسم شعرای انگلیس و جریده نگاران اسکاتلند در هجومقیدین و حمله بعضی معاصرین خود انتشار داد و تندی اشعار و تازکی اسلوب آن طوری مقبول عامه افتاد که چاپ اول آن در عرض یکماه تمام شد و انظار مردم متوجه شاعر جوان گردید .

در سنه ۱۸۰۹ بایرن بعزم آمدن بایران و هندوستان از

انگلیس خارج شده پرتغال و اسپانی و یونان را سیاحت نمود و بثمانی رفت که از آنجا بایران بیاید ولی در قسطنطنیه فسخ عزیمت ایرانرا کرد و مدتی در شهر مزبور اقامت نمود . - لیکن روح عاصی و سرکش او آرام و قرار نداشت و او را باینطرف و آنطرف بسیاحت دریا و خشکی میکشید . بایرن در این مسافرتها مشاهدات و تجربیات زیادی حاصل کرد و نتیجه آنها دو قسمت اول منظومه **چایلد هرولد** شد که یکی از شاهکارها و آثار بدیعه بایرن میباشد .

این منظومه سراسر مملو از احساسات عمیقه و تقاشیها و تابلو سازیهای عالی و ماهرانه بود و مردم را بی اختیار شیفته و فریفته خود نمود و چنان پیشرفتی حاصل کرد که در عرض یکماه هفت مرتبه بطبع رسید و شاعر جوان بطوریکه بعدها خودش اظهار میداشت **یک روز صبح بیدار شده و خود را مشهور عالم دید !**

نمره دیگر این مسافرت رمانهای « گیور » « عروس آیدوس » « دزد دریائی » و « لار » است که همه مملو از عواطف عاشقانه و احساسات تند و هیجان انگیز میباشد که چون منتشر میشدند مردم بامیل و اشتیاق فراوان باستقبال آنها میشناقتند .

در سنه ۱۸۱۲ بایرن بانگلستان مراجعت نمود و در لندن اقامت گزید . جمال ووجاهت طبیعی او در تمام مجالس و اجتماعات طرف توجه واقع شده بود و زنها مانند بت او رامیرستیدند . ولی شاعر جوان بزنها بانظر حقارت مینگریست و در جائیکه

راجع به آنها صحبت میکند میگوید: «من زنهارا مخلوقی بسیار زیبا ولی پست میدانم، بعقیده من همانقدر که در مجالس زنهارا کوچک و ناچیزند در پای سفره و محافل ضیافت نیز کوچکند... من زنهارا کودکانه‌ای میدانم.»

در سنه ۱۸۱۵ دختری موسوم به **میلبانک** را که از يك فامیل نجیب متوسط الحال و دارای اخلاق ستوده و حمیده بود، بحیالۀ نکاح در آورد و سال بعد دختری از او متولد شد ولی چون از ابتدا رشته عشق و محبت مابین آنها مستحکم نبود و بعلاوه اخلاق تند و زنده گانی غیر منظم شاعر دختر جوانرا بستوه آورده بود لهذا کمی بعد از تولد فرزندشان **میلبانک** بخانه پدر خود رفته پیغام فرستاد که دیگر نزد بایرن مراجعت نخواهد نمود - این افتراق و جدائی بین زن و شوهر تأثیر سوئی در اذهان عمومی کرد و همه تقصیر را بگردن بایرن گذاشتند و در اندک مدتی حسن انزجار و بدبینی مردم نسبت بشاعر بدرجۀ رسید که دیگر از ترس استهزاء و سخریه جرئت نمیکرد به تاتر خانها و مجالس عمومی وارد شود. منظومۀ **وداع** را بعد از جدائی از زنش خطاب با او نوشته و در بعضی ابیات آن بقسدری سوز و گداز و شکوه کرده است که انسانرا واقعاً متأثر میسازد.

بعد از این واقعه الیمه که باعث بدبختی و بدنامی شاعر جوان گردید بایرن دیگر نتوانست در وطن خود بماند و در سنه ۱۸۱۶ با قلبی شکسته و خاطری پراز یأس و حرمان برای

ابد انگلستان را وداع گفت و در موقعیکه عازم مسافرت بود در مکتوبی این جمله را نوشت : «اگر آنچه را که در باره من شایع است و مردم بمن نسبت میدهند حقیقت دارد من لایق انگلستان نیستم و اگر هم دروغ است و حقیقت ندارد پس انگلستان لایق من نیست ! »

آسمان مصنوعی .

در امریکا بعلم نجوم خیلی اهمیت میدهند و در آنجا رصدخانه‌های بسیار موجود است . اخیراً برای اینکه مردم را بحرکات ستارگان و اسرار آسمانی بهتر آشنا کنند ، گلوله مخصوصی ساخته‌اند که فی الحقیقه آسمانیست که بدست بشر برپا شده است .

۱۲۰

این آسمان عبارت از گلوله مجوفیست بقطر پنج متر که سطح آن با پارچه آبی رنگ یعنی برنگی که آسمان در شبهای خیالی صاف نمودار میباشد ، پوشیده شده‌است و بر روی پارچه با چراغهای برق کوچک و بزرگ ستارگان سپهری راهریک در جای مخصوص خود ترتیب داده‌اند بقسمیکه کلیه ستارگان از ثابت و سیار وحتى خط کهکشان نیز در آنجا بخوبی دیده میشود . در موقع درس معلم وشاگردان بدرون گلوله میروند و در محل مسطح مخصوصی قرار میگیرند ، آنوقت در آسمان مصنوعی ستارگان هر يك بنا بر قاعده طبیعی خود بحرکت درآمده معلم درس خود را عملاً برای شاگردان بثبوت میرساند و آنها را از اسرار آسمانی آگاه میسازد .